

۱- مقدمه

اخلاق اگر از چشم‌انداز قرآنی نگریسته شود، جذبه و دلربایی آن دوچندان خواهد شد. زیرا قرآن آخرین کلام الهی با بشر است و به اقتضای این ویژگی، کامل‌ترین سخن را درباره اخلاق بیان کرده است. فضایل اخلاقی از نگاه قرآن، صرفاً وسیله‌ای برای سامان‌دهی به رفتار این جهانی آدمی، به غرض نظم و انتظام دادن به زندگی او نیست، بلکه از آن مهم‌تر، چونان مصالح ساختمانی برای پی‌ریزی بنای حیات ابدی او به حساب می‌آید. این نگرش فرجام‌شناسانه به فضایل و الزام‌های اخلاقی، بر ارجح و اهمیت آنها می‌افزاید. برای شناخت درست از نادرست در هر موضوعی به معیار و میزان نیاز است، لذا رجوع به قرآن کریم که حاوی مفاهیم و مضامین بسیاری در هر زمینه، به ویژه اخلاق و خودسازی و هنجارهای رفتاری است، یک معیار و میزان مناسب می‌باشد. «تربیت اجتماعی از دیرباز و در همه جوامع مورد توجه پیامبران الهی، فیلسوفان، اندیشمندان، معلمان و والدین قرار داشته است، بشر امروز نیز به دلیل رویارویی با بحران هویت انسانی و ارزش‌های اخلاقی ناگزیر است به ارزش‌های اخلاقی روی آورد» (نجارزادگان، ۲۲)

۲- بیان مساله

قرآن همواره منبع مهم تحقیق و پژوهش برای اندیشمندان مسلمان بوده و از این رهگذر علوم متعددی پایه‌گذاری گردیده و به موجب آن رشد و تعالی بشریت محقق گردیده است. با توجه به تاریخ تحول فکری اسلامی در می‌یابیم که سعی دانشمندان اسلامی همواره معطوف به قرآنی کردن دانش‌هایی بوده است که به اقتضای زمان وارد عرصه‌های فکری جوامع شده‌اند. «دیدگاه مشهور و غالب این است که اساساً وحی دارای سه نوع پیام متمایز است. برخی از آیات ناظر به طبیعت انسان یا جهان هستی، برخی دیگر توصیه‌کننده تکالیف و قسم سوم متضمن بیان ارزش‌های اخلاقی است. و بر این مبناست که آیات قرآنی را به سه دسته آیات الاحکام، العقائد و آیات الاخلاق و المناسک تقسیم می‌کنند " و از طرفی " دو گستره روانشناسی دین^۱ و جامعه‌شناسی دین^۲ غالباً با روانشناسی دینی^۳ و جامعه‌شناسی دینی^۴ در آمیخته می‌شود که توجه به تمایز معرفتی آنها

جایگاه اخلاق در تربیت اجتماعی از منظر قرآن کریم

حسینعلی جان نثاری^۱سید حسین واعظی^۲

چکیده

قرآن کریم، مفهومی از رفتار اجتماعی آمیخته با اخلاق ارائه می‌دهد که شیوه‌های درست زندگی را پیش روی انسان می‌گشاید. پژوهش حاضر با هدف استخراج و تبیین جایگاه اخلاق در تربیت اجتماعی از منظر قرآن کریم بوده که با روش توصیفی همراه با تحلیل محتوی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است. تربیت اجتماعی همواره مورد توجه مکاتب مختلف بوده و بین مسلمان جایگاهی ارزشمند و شخصیت‌ساز داشته است. یافته‌های پژوهش حاکی است: از منظر قرآن کریم، رفتار اجتماعی با اخلاق همراه بوده و در متن تربیت اجتماعی قرار گرفته است و با اهداف تعادل روحی، تقرب به خداوند، و الزامات اعتقادی مانند فطرت، توحید، و شیوه‌های مانند محبت و احترام، کسب می‌گردد به طوری که همواره رشد و کمال انسان را در راستای ارزشهای اخلاقی قرار داده و سعادت در زندگی را با اخلاق اجتماعی رهنمون و ملزم نموده است.

کلید واژه‌ها: قرآن، اخلاق، تربیت اجتماعی، تعلیم و تربیت

را تعیین کرده و ارتباط آن را با عوامل رشد اخلاقی مطلوب مورد بررسی قرار می‌دهد» (فردریک ای، ش ۶۲)

۳-۴- الزامات تربیت اجتماعی

الزامات تربیت اجتماعی: مبانی و اعتقاداتی هستند که بدون توجه به آنها، اهداف دست‌یافتنی نیستند، و شیوه‌های تربیتی نیز دقیقاً موثر واقع نمی‌شوند. در واقع الزامات شامل اعتقاداتی هستند که می‌توانند اهداف را تعیین نموده و شیوه‌های تربیت اجتماعی را ارایه نمایند.

۴- اهداف اخلاقی قرآن در تربیت اجتماعی

۴-۱- تعادل روحی

هدف از تربیت این است که بتوانیم انسانی چند بعدی پرورش دهیم، انسانی که بتواند از احساسات، عواطف، شناخت و ادراکات قوی و لازم برخوردار گردد و بر هوای نفس خویش تسلط یابد و قوای موجود نفس را اعتدال بخشیده و از آن‌ها درست استفاده نماید. هدف از تربیت، متخلق شدن انسان به اخلاق الهی و انجام دستورهای خداوند برای سازندگی روح و روان آدمی است تا با تحقق آن به قرب الهی نائل گردد. «هدف از تربیت در قرآن، افزایش مراتب و درجات قلبی در سایه معرفت الهی است تا شخص شایستگی لازم را برای تقرب به خدا بدست آورد. علاوه بر هدف کلی اهداف جزئی نیز وجود دارند که زمینه‌ساز رسیدن به هدف کلی می‌باشند برای دستیابی به اخلاق قرآنی و سعادت و کمال جاودانه، انسان از مسئولیت‌ها و وظایفی برخوردار است این وظایفی است که فرد در برابر خدا، خود، دیگران، یا نظام خلقت دارد. قرآن می‌فرماید: **«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ»** (البقره، ۱۴۳) «و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد و قبله‌ای را که [چندی] بر آن بودی مقرر نکردیم جز برای آنکه کسی را که از پیامبر پیروی می‌کند از آن کس که از عقیده خود

در فهم گستره دین پژوهی مهم و اساسی است.» (قراملکی، ۵۰ و ۵۴ و ۶۴) و نکته دیگر آنکه در جهان امروز اگرچه انسان از نظر صنعت و تکنولوژی به پیشرفت‌های چشم‌گیری دست‌یافته، اما به نظر می‌رسد از نظر اخلاقی نه تنها به پیشرفتی نائل نیامده، بلکه از ارزش‌های راستین تهی گشته و در نابسامانی‌ها دست‌وپا می‌زند. حملات شیمیایی در مناطق مختلف جهان، تولید و به‌کارگیری بمب هسته‌ای، تصویب قانون همجنس‌گرایی در مجالس اروپایی، نمونه‌هایی از دوری بشریت از اخلاق اجتماعی است. و از این روی، بشر امروز به دلیل رویارویی با بحران هویت انسانی و ارزش‌های اجتماعی ناگزیر، به ارزش‌های اخلاقی روی خواهد آورد. قبل از پرداختن به مباحث اصلی، آشنایی با چند اصطلاح ضروری می‌نماید

۳- تعریف مفاهیم واژه‌ها

۳-۱- اخلاق

«واژه اخلاق جمع خُلُق و خَلَق و در لغت به معنی مفاهیم خوی‌ها، طبیعت باطنی، سرشت درونی، طبع، مروت و خوش‌رفتاری است.» (دهخدا، ۱۰/۱۵۴۱۳) «برخی از لغت‌شناسان معتقدند خُلُق و خَلَق هر دو به یک معناست؛ لکن خَلَق به هیئت‌ها و شکل‌ها و صورت‌هایی اختصاص دارد که به وسیله چشم قابل دیدن هستند، برخلاف خُلُق، که به خوی و سجایایی اطلاق می‌شود که با بصیرت قابل درک است.» (راغب اصفهانی، ۱/۶۳۳)

۳-۲- تربیت

«تربیت، دگرگون کردن گام به گام و پیوسته هر چیز است تا آن‌گاه که به انجामी که آن را سزود برسد.» (راغب اصفهانی، ۲/۲۹) «نیز به معنی رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای شکوفا کردن استعدادها و انسان در جهت کمال مطلق شکوفا می‌باشد» (دلشاد تهرانی، ۲۴)

۳-۳- تربیت اجتماعی

«تربیت اجتماعی بر شناخت و آگاهی فرد از خویش و موفقیت‌ها مبتنی خواهد بود، این‌که چگونه انسان می‌تواند فاعل اجتماعی شود و مطابق با معیارهای معین اخلاقی بیندیشد و عمل کند. تربیت کاری است که این داده‌های نظری را به حیطه عمل می‌کشانند، برنامه، روش و شیوه‌ها

برمی‌گردد بازشناسیم هر چند [این کار] جز بر کسانی که خدا هدایت [شان] کرده سخت گران بود و خدا بر آن نبود که ایمان شما را ضایع گرداند زیرا خدا [نسبت] به مردم دلسوز و مهربان است»

۴-۲- تقرب به خداوند

در بحث اخلاق فردی، برای متخلق شدن به اخلاق الهی و در نتیجه رسیدن به قرب الی الله بحث خودشناسی مطرح می‌باشد. این فهم را قرآن کریم با زیبایی خاص خویش چنین معرفی می‌فرماید: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (الشمس، ۷-۱۰) «سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد. سپس پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به آن الهام کرد که هر کس آن را پاک گردانید قطعاً رستگار شد و هر که آلوده‌اش ساخت قطعاً در باخت» از این آیات با صراحت معلوم می‌گردد که رستگاری انسان در گرو تزکیه نفس است و «رستگاری» کمال نفس انسانی است؛ از این نظر که موجب تقرب الهی و رها شدن انسان از مشکلات است. اگر ما حکمت و فلسفه خلقت انسان را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهیم با وضوح تمام در خواهیم یافت که، هدف از خلقت جهان و به تعقیب آن خلقت انسان، رساندن انسان به کمال فضیلت و تقرب الهی است که همه انسان‌ها می‌خواهند خود را به آن برسانند. (پاکیزگی فکر، روح و جان انسان، امانت، صداقت، وفاداری، درست‌کاری و...) مواردی است که موجب تقرب به پروردگار شمرده شده است.

۴-۳- تعامل با دیگران

یکی از ابعاد اخلاقی اجتماعی که اسلام بر آن تأکید ورزیده، توجه به ارتباط با دیگران است. این نکته از آن حیث تأکید شده که انسان موجودی اجتماعی بوده و بدون ارتباط با دیگران نمی‌تواند به زندگی خود ادامه دهد. به عنوان نمونه توجه به ایفای نقش پدر، مادر و فرزندان در تکمیل و بقای یکدیگر توجه به مسؤلیت فرد در قبال همسایگان، ایتم، مستمندان و... از این قبیل است. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا» (النساء، ۳۶) «و خدا را بپرستید! و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید! و به پدر و مادر، نیکی کنید؛ همچنین به خویشاوندان، یتیمان، مسکینان، همسایه نزدیک، همسایه دور،

دوست و همنشین، واماندگان در سفر و بردگانی که مالک آن‌ها هستید؛ زیرا خداوند، کسی را که متکبر و فخر فروش است، (و از ادای حقوق دیگران سرباز می‌زند) دوست نمی‌دارد.»

| اهداف اخلاقی تربیت اجتماعی | |
|----------------------------|--|
| تعادل | (البقره، ۱۴۳) (الجمعه، ۲) (آل عمران، ۴۸) (یوسف، ۳۷) (الکهف، ۶۶) |
| روحی | (البقره، ۲۸۲) (الرحمن، ۲) (البقره، ۲۳۹) (البقره، ۲۵۱) |
| تقرب به خداوند. | (الشمس، ۷-۱۰) (البقره، ۱۲۹) (آل عمران، ۱۶۴) (الجمعه، ۲) (یوسف، ۳۷) (المائده، ۴) (البقره، ۳۱) (یوسف، ۶۸) (النجم، ۵) (الطلاق، ۹) (القصص، ۸۳) |
| تعامل با دیگران | (الحج، ۴۱) (الشمس، ۱۵) (الرعد، ۲۲) (الرعد، ۴۲) (النساء، ۳۶) (البقره، ۲۵۱) (الکهف، ۶۶) (الانعام، ۹۱) (النمل، ۱۶) (البقره، ۱۰۲) (یوسف، ۶) (البقره، ۳۱) (البقره، ۲۸۲) (الانبیاء، ۸) |

۵- الزامات اخلاقی قرآن در تربیت اجتماعی

۵-۱- شناخت فطری

تفاوت‌های پایه‌ای در بنیاد اخلاق میان آرای فیلسوفان و اندیشمندان علم اخلاق از يك سو و نگاه قرآن از سوی دیگر، در دو اصل مهم خلاصه می‌گردد: یکی رویکرد به جهان هستی و دیگری در نگاه به جایگاه انسان در هستی؛ به این معنا که فیلسوفان، واقعیت هستی را پذیرفته و انکار ناشدنی دانسته و به دنبال شناسایی آن برآمده‌اند تا بر اثر معرفت‌شناسی هستی، بهترین و برترین را برگزینند. در آیات قرآن انسان دارای جایگاهی بس والا و متعالی است، به خاطر این‌که انسان توسط خدا برگزیده شده و هدف از ارسال رسل هدایت انسان و رساندن او به جایگاه خلیفه الهی است: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (النحل، ۷۸) «خدا شما را از شکم مادرانتان در حالی که چیزی نمی‌دانستید بیرون آورد و برای شما گوش و چشمها و دلها قرار داد باشد که سپاسگزاری کنید» «مبنای این شناخت در تربیت اجتماعی، پذیرش "فطریات" در انسان است. "فطرت" در

لغت به معنی "خلق"، "ایجاد" و "سرشت و طبیعت" آمده است. فطرت در اصطلاح، به گونه‌ای خاص از آفرینش اطلاق می‌شود که مخصوص انسان و غیر تقلیدی است. بدین صورت که نیازمند تمرین و استاد نبوده، در همه زمان‌ها، مکان‌ها و برای همه ثابت می‌باشد؛ قابل شدت و ضعف است و مبدأ همه فضایل انسانی است اگر انسان دارای یک سلسله فطریات باشد، قطعاً تربیت او باید با در نظر گرفتن همان فطریات صورت گیرد» (مطهری، ۱۸-۲۲) «فطرت، خلقت خاص انسان است که براساس آن به خدای خود آگاه است و گرایش به او دارد همین فطرت است که او را به خدا و صفاتی که از او ناشی می‌شود راهنمایی می‌کند. افعال پسندیده و اخلاقی انسان‌ها، ناشی از همین خصوصیت آدمی است. بنابراین انسان راه معینی در پیش می‌گیرد تا نقایص را رفع کند و رو به کمال دارد که غایتی خاص را دنبال می‌کند. بر این اساس، اخلاق ریشه در ویژگی‌های فطری انسان دارد و به کمک آن می‌تواند فضیلت‌ها را تشخیص دهد» (طباطبایی، ۳/۲۸۷) «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (الروم، ۳۰) «پس روی خود را با گرایش تمام به حق به سوی این دین کن با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است..»

۵-۲- شناخت خداوند

اهمیت خداشناسی به دلیل آثار آن در حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها مورد توجه است. اعتقاد انسان به خدا و برداشتی که از اوصاف الهی دارد، در شئون مختلف زندگی او، انگیزه‌ها، نیت‌ها، داورى‌ها و اعمال او مؤثر بوده و شخصیت ویژه‌ای برای فرد می‌سازد. «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» (اخلاص، ۱-۵) «بگو اوست خدای یگانه» انسانی که معتقد است کارگردان اصلی جهان تنها خداوند است و نیازمندی‌های او، تنها با تدبیر خداوند، سر و سامان خواهد گرفت، دست نیاز به سوی دیگران دراز نخواهد کرد؛ در مقابل مشکلات بی‌تابی و کم‌صبری نخواهد داشت؛ زیرا او می‌داند که خداوند تنها ربّ برای او نیست، بلکه ربّ همه جهان بوده و امور را به بهترین شیوه هدایت خواهد کرد. «در اسلام اصل توحید، طهارت کبری معرفی شده و اگر کسی به خدا شرک بورزد، طهارت وجودی خویش را از دست داده است» (باقری، ۱/۷۸)

۵-۳- قیامت

انسان معتقد به معاد، دنیا را سرای فانی، محدود و گذرا و آخرت را سرای باقی و همیشه جاویدان می‌بیند. در آیات متعددی از قرآن کریم تأکید شده است که همه به سوی او بازگشت

می‌کنید و به حساب شما رسیدگی خواهد شد. در واقع انسان مؤمن می‌داند همه چیز، همه جا و همه وقت برای هر کاری که انجام می‌دهد باید پاسخ‌گو باشد. لذا به دنبال کیفیت بخشی به رفتار خویش و کسب رضایت‌مندی بیشتری است. صفاتی مانند: ایثار، صداقت، گذشت، امانت‌داری، تواضع، محبت به دیگران و امثال اینها، در وجود او شکل می‌گیرد و پرورش می‌یابد. آگاهی از فلسفه قیامت و هدف از برپایی آن معنا و مفهوم درستی از زندگی و مرگ نیز ارائه می‌دهد و شیوه‌های درست زندگی را در پیش روی انسان می‌گشاید. توجه به قیامت اساسی‌ترین موضوع برای دستیابی انسان به اخلاق پسندیده و رفتاری تنظیم شده است. قیامت، نوعی تکریم و اکمال و اتمام رحمت الهی بر مردم است، در حقیقت جزا و کیفر و پاداش‌بندگان، از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین علل رعایت مسایل اخلاقی در جامعه است که در آیات ۲۶ و ۲۸ سوره ص و ۲۶ سوره المعارج و بسیاری از آیات دیگر قرآن، بر آن تأکید شده است.

۵-۴- نبوت

پیامبران الهی، انسان‌های برگزیده و ممتازی بودند که به خاطر اخلاق و خصائص عالی انسانی و روحیه پاک بشری از جانب خداوند برای هدایت و ارشاد انسان‌ها برگزیده شده‌اند. وجود آن‌ها مجمع کلیه صفات عالی بشری و قلبشان سرشار از عشق به خدا و توحید و یگانه‌پرستی بود. خداوند، آن‌ها را برگزید و به آن‌ها قلبی سرشار از صبر و بردباری و خلق عظیم عطا نمود تا بتوانند، این راه سخت و پرمشقت، یعنی هدایت بشر را تحمل نمایند. انبیاء (ع) از مقام عصمت برخوردار بودند. عصمت به معنی دوری از هر گونه خطا و گناه است. آن‌ها سعی می‌کردند انسان‌ها را از گناه و خطا دور نموده، به اطاعت از خدا و ترک گناه راهنمایی کنند. «... أَنْ اتَّبِعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا...» (النحل، ۱۲۳) خداوند گفتار، اعمال و رفتار انبیاء را الگو و سرمشق رفتاری همه انسان‌ها قرار داده است، «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...» (الاحزاب، ۲۱) چرا که آن‌ها تنها برای راهنمایی و سعادت انسان‌ها و رضایت خداوند قدم برمی‌داشتند و تمامی لحظه‌های زندگی خود را در راه بندگی خداوند و رسالت عظیمشان صرف نمودند.

۶- شیوه‌های اخلاقی تربیت اجتماعی در قرآن کریم

جدول شماره ۱ مراجع بیشتر مربوط به الزامات

| | |
|---------------------------------------|---|
| شناخت فطری | (نحل، ۷۸) (الروم، ۳۰) (هود، ۵۱) (یس، ۲۲) (طه، ۷۲) (الاسراء، ۵۱) (الانعام، ۷۲) (الزخرف، ۲۷) (الانبیاء، ۵۶) (الانعام، ۱۴) |
| توحید: | (اخلاص، ۱-۵) (یوسف، ۳۹) (ابراهیم، ۵۲) (الحج، ۳۴) (البقره، ۲۱۳) (سبا، ۴۶) (البقره، ۱۳۳) (الصافات، ۴) (غافر، ۱۶) (المائده، ۷۳) |
| الزامات اخلاقی تربیت اجتماعی | قیامت (ص، ۲۶-۲۸) (البقره، ۱۱۳) (آل عمران، ۷۷) (آل عمران، ۱۸۵) (النساء، ۱۰۹) (الاعراف، ۳۲) (طه، ۱۰۰) (القصص، ۴۱) (العنکبوت، ۱۳) (الجاثیه، ۲۶) (المتحنه، ۳) (فصلت، ۴۰) (الاحقاف، ۵) (فاطر، ۱۴) |
| نبوت | (البقره، ۲۴۷) (آل عمران، ۷۹) (الانعام، ۸۹) (الجاثیه، ۱۶) (النساء، ۱۵۵) (البقره، ۹۱) (البقره، ۱۷۷) (الاحزاب، ۴۵) (الاحزاب، ۵۳) (المتحنه، ۱۲) (الحجرات، ۲) (الاحزاب، ۶) (آل عمران، ۶۸) |

۱-۶- محبت و احترام

مهم‌ترین روش تربیت اخلاقی، روش محبت و احترام برای رضای خداوند است. چون بنای اسلام بر محبت عبودی است. یعنی ترجیح دادن جانب خدا و رضای خدا را بر رضای خود ترجیح دادن؛ از حق خود به خاطر حق خدا گذشتن و از خشم خود به خاطر خشم خدا صرف نظر کردن؛ «قلب را از تعلق به هر چه غیر خداست پاک کردن، از تمام زینت‌ها و زخارف دنیا حتی از آرزوهای خود گذشتن و قلب را منحصراً برای خدا فارغ کردن است. یعنی محبت به خدا قلب فرد را مرحله به مرحله تسخیر می‌کند تا جایی که این فرد تنها کاری را می‌کند که خداوند دوست دارد و آن چیزی را ترک می‌کند که او نمی‌پسندد. به رضای خدا راضی و به خشم او خشمگین می‌شود» (طباطبایی، ۱۲/۱۶۰ و ۱۶۱) «عشق و محبت، محرک شکستن حصار خودپرستی است. همین که عاشق از "خود" پا بیرون نهاد، روح او توسعه می‌یابد و صفات زشت اخلاقی را کنار می‌نهد. عشق و محبت، تنبل را چالاک می‌کند، حتی از کودن تیزهوش می‌سازد، از بخیل بخشنده و از کم طاقت، شکیب می‌سازد.» (مطهری، ۲/۴۲ - ۴۶) راه‌های کسب حبّ خداوند در قرآن بیان شده است؛ برخی از آن‌ها عبارت‌اند: تفکر و شناخت خداوند، ذکر دائم و یادآوری نعمت‌ها و مسئولیت انسان در برابر خداوند.» (طباطبایی، ۱۶/۱۳۶) قرآن با ندای رسا اعلام می‌کند که: «... وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَبٌ إِلَيْكُمْ الْأَيْمَانَ وَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاسِدُونَ» (الحجرات، ۷) «خدا در نهاد بشر، میل و رغبت و علاقه به ایمان و عشق به خدای جهان را نهاده و آن را محبوب او ساخته و کفر و نافرمانی و گناه را منفور گردانیده است.» خداوند نه تنها حس خداشناسی را به ما مرحمت فرموده و سرشت ما را با اعتقاد به مبدأ آمیخته است، بلکه دل‌های ما را به آن دسته از خوبی‌ها نیز که بدون معلم و مربی، از درون خویش به آن‌ها الهام می‌شویم، آراسته است، و از چنین معنای گسترده‌ای می‌توان به فطری بودن ایمان به خدا و انزجار از کفر، فسق و عصیان پی برد؛ بنابراین، مقصود از محبوب گردانیدن ایمان، تنها خداشناسی نیست، بلکه علاوه بر آن، سرشت ما با یک سلسله سجایای اخلاقی به هم آمیخته است و روح ما به طور ناخودآگاه، به سوی آن‌ها کشیده می‌شود. از طرفی نیاز انسان به محترم شمردن شدن، این گاهی را به او می‌دهد که چگونه با دیگران زیست نماید. بیان قرآن کریم، حاکی از این

نیاز اساسی انسان به اکرام در عوالم وجود است: «قَبِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ، بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ» (یس، ۲۶ - ۲۷) «ای کاش قوم من می دانستند که پروردگارم مرا آمرزیده و مورد احترام قرار داده است»

۶-۲- موعظه و نصیحت

«موعظه یعنی کارهای نیک به گونه‌ای تذکر داده شود که قلب شنونده از شنیدن بیان آن رقت پیدا کند و در نتیجه تسلیم شود.» (طباطبایی، ۱/ ۳۷۳) موعظه و نصیحت باید با توجه به سه نکته انجام شود: اولاً: این که شفقت و خیراندیشی موعظه‌گر باید در موعظه‌اش نمودار باشد. ثانیاً: زبان موعظه باید نرم باشد تا لجاجت را مهار سازد. ثالثاً: نپند در درجه نخست باید بر کنار از حضور جمع صورت پذیرد.» (باقری، ۱/ ۲۱۶)؛ قرآن کریم نصایح لقمان به پسرش را بیان می‌کند و سپس او را دعوت به عمل می‌کند. «وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان، ۱۳) «روش لقمان در نصیحت فرزندش، بیان توحید و معاد همراه با محبت است، خطاب عاطفی "یا بنی!" یعنی "پسرکم!" برای برانگیختن احساسات و ترغیب به پذیرش است» (طباطبایی، ۱۶/ ۲۱۷) هم چنین قرآن کریم از زبان حضرت نوح (ع) بیان می‌کند: «يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ» (نوح، ۲) «ای قوم! من برای شما بیم‌دهنده آشکاری هستم» بنابراین، درگیر کردن احساسات فرد برای رجوع به خویشتن، می‌تواند در پذیرش نصیحت جهت اصلاح، مؤثر واقع شود و این انگیزه‌ای مهم برای کسب فضایل و ترک رذایل است «فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ، ثُمَّ نَكِسُوا عَلَىٰ رُؤُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتُمَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ» (الانبیاء، ۶۴ - ۶۵) پس در این روش، محور قرار دادن توحید و قیامت، تذکر به این حقیقت مهم است که باید با محبت و برانگیختن احساسات همراه باشد.

۶-۳- الگوها و امثال

«یکی از روش‌های مؤثر در تربیت اجتماعی، روش الگویی است، انسان به طور طبیعی تحت تاثیر افکار، عقاید، گفتار، رفتار و حرکات دیگران، به ویژه پدر و مادر و مربیان قرار می‌گیرد و براساس آن شخصیت، رفتار و اعمال خود را شکل می‌دهد. به این گونه افراد که مورد توجه دیگران قرار می‌گیرند الگو گفته می‌شوند، مربی باید حالات مطلوب متربی را که عملاً در وجود کسی

آشکار شده، به او نشان دهد و البته نخست سزاوار است که در وجود خود مربی، اسوه نیکویی برای متربی باشد. اسوه‌سازی در درجه اول و به طور اساسی در شرایط واقعی اجتماعی مورد نظر است، اما حاصل آن این است که شخصیت‌های تاریخی نیز الگوی عمل به‌شمار می‌آیند» (باقری، ۱/ ۱۴۴) خداوند در قرآن کریم الگوهای کاملی به انسان معرفی نموده و بر پیروی از آنان تاکید می‌کند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (الأحزاب، ۲۱)؛ «قرآن کریم مثل معلمی است که کلیات درس را در مختصرترین جملات بیان می‌کند سپس شاگردان را به عمل به آن امر می‌کند. بعد اعمال آن‌ها را می‌بیند؛ صحیح و فاسد آن را اصلاح می‌کند؛ نقص‌ها و کمبودها را با موعظه، مثال، داستان، وعده به پاداش و جزا رفع می‌کند. تمامی داستان‌ها و مثال‌های قرآن، حول محور توحید و قیامت، افراد را تربیت می‌کند. ویژگی داستان‌ها و مثال‌های قرآن برای تربیت اجتماعی انسان‌ها می‌باشد. این‌که خداوند داستان‌های انبیا را بیان می‌کند، عبادت‌ها، دعاها و طرز معاشرتشان را با مردم مثال می‌زند، در واقع خود نوعی تربیت عملی است با ذکر جزئیات. آنچه در تمام آن‌ها محور اصلی بحث قرآن است، هدایت توحیدی انبیاست و این اعتقاد درونی آن‌ها به توحید و قیامت است که در اعمال آن‌ها بروز کرده است» (طباطبایی، ۴/ ۱۸) قرآن کریم در استفاده از شیوه الگوسازی، دست‌کم دو نکته مهم تربیتی را مورد توجه قرار داده است. نخست: آن‌که چهره‌های محبوب را گاه به‌طور کلی و با عناوین عام معرفی کرده است؛ از جمله: توأیین، پاکان (متطهرین)، پرهیزگاران (متقین)، صالحان، صابران، محسنین (نیکوکاران) و مجاهدان؛ گاه نیز به‌طور خاص و به اسم، در مورد پیامبران و غیر آنان، از ایشان یاد نموده است. اما چهره‌های منفور و مطرود از نظر قرآن به‌طور عمده، به‌جز در موارد استثنایی، مثل ابولهب، با توصیف عناوین کلی آنان، مثل تجاوزگران (معتدین)، اسراف‌کنندگان (مصرفین)، خودپسندان (متکبرین)، کافران، ستمگران (ظالمین) و منافقان بیان شده‌اند. دوم: انتخاب‌گری در الگوهاست. قرآن با طرح چهره‌های محبوب و منفور در کنار هم، جامعه انسانی را به گزینش آگاهانه الگوهای مورد نظر خویش دعوت می‌کند، حتی در مورد پدران و گذشتگان نیز هشدار می‌دهد که بدون آگاهی با پی‌روی کورکورانه از آنان زندگی خود را تباه نکنند. گفتند: «قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ، قَالَ أُولُو جُنُثِكُمْ بَاهِدِي مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ...» (الزخرف، ۲۳ - ۲۴) «ما پدران خود را بر آیینی یافته‌ایم و ما هم از ایشان پی‌روی می‌کنیم. گفت: هر چند هدایت‌کننده‌تر از

آن کیفر داده نمی‌شود؛ ولی هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد - خواه مرد یا زن - در حالی که مؤمن باشد آن‌ها وارد بهشت می‌شوند و در آن روزی بی‌حسابی به آن‌ها داده خواهد شد» نیز فرموده است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (البقره، ۸۲) «و آن‌ها که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آنان اهل بهشتند؛ و همیشه در آن خواهند ماند»

۶-۶- احسان و انفاق

«وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (البقره، ۱۹۵) «در راه خدا، انفاق کنید! و (با ترک انفاق) خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید! و نیکی کنید! که خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد» نیز فرموده است: «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ» (البقره، ۸۳) «جز خداوند یگانه را پرستش نکنید؛ و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید» (در این جا مراتب احسان و نیکوکاری را از اهم به مهم ذکر می‌کند، پس چون وجود انسان متعلق به پدر و مادرش است لذا مهم‌ترین موارد نیکوکاری، نیکی به آنان است سپس از صله رحم صحبت می‌کند و یتیمان، چون یتیمان مستحق‌ترین افراد هستند از جهت نیکوکاری و احسان بخاطر کوچکی سن و سالشان و آنانکه کسی را ندارند که نسبت به امور آن‌ها قیام کند.» (حسینی نسب، ۱/ ۳۳۱) همچنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أُحْسِنْتُمْ لَأَنْفُسِكُمْ»؛ (الاسراء، ۷) «اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید؛» یعنی نیکی و احسانی که انسان به برادران دینی و هم‌نوعان خود می‌کند، در حقیقت بازگشتش به خود انسان است؛ زیرا فرد نیکوکار با احسان و نیکوکاری، شخصیت خود را کامل می‌گرداند و در تحقق تکامل وجودی خویش می‌کوشد. اگر انجام اعمال پسندیده و نیک، انسان را از خسران‌رهایی می‌بخشد و مصداق انسان پیروز و سعادت‌مند می‌شود، به این معنا است که انسان در یک فرآیندی خود را از نقص به کمال می‌رساند. احسان و نیکی به مردم از جمله ابزار است که نزدیکی به خدا را سرعت می‌بخشد، مانع نزول بلا و موجب برطرف شدن سختی‌ها و مشکلات می‌شود، و از همه مهم‌تر محبوبیت در پیشگاه خداوند متعال را که منشأ رحمت‌های بی‌کران او است به ارمغان می‌آورد.

آن‌چه پدران خود را بر آن یافته‌اید برای شما بیاورم..» «این مودبانه‌ترین تعبیری است که می‌توان در مقابل قومی لجوج و مغرور بیان کرد که عواطف آنها جریحه دار نشود» (مکارم شیرازی، ۲۱/ ۴۰)

۶-۴- پرسش و پاسخ

قرآن کریم در راه پرورش نیروی معرفت و تفکر، برای کامل شدن شناخت افراد و رسیدن به عبودیت از روش پرسش و پاسخ استفاده کرده است. در این روش، القای اطلاعات، همراه با تفکر حول محور مورد نظر صورت می‌گیرد. از این روی، ماندگاری اثر آن بیشتر خواهد بود: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ» (الحديد، ۱۶) «آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا خاشع گردد؟» (یکی از شیوه‌های پرورش استعدادها، مطرح کردن موضوع مورد نظر در قالب پرسش است. با اجرای ماهرانه این روش، به جای تعدادی باسوادهای سطحی، صاحب‌نظرانی متفکر تربیت می‌شوند که اهل معرفت‌اند» (جعفری، ۱۰۲ و ۱۰۳)

۶-۵- تشویق و تنبیه

تشویق در اصطلاح عبارت است از «ارائه یک محرک مطلوب (از نظر متری) پس از انجام رفتار مطلوب، به منظور افزایش، تکرار و تثبیت آن عمل و رفتار "تنبیه در اصطلاح یعنی "ارائه یک محرک آزاردهنده (ناراحت‌کننده) به یک ارگانیزم است که نتیجه آن کاهش قدرت فراوانی پاسخ‌هایی است که پیش از تنبیه انجام شده است» (سیف، ۱۶۷ و ۱۶۶) تشویق و تنبیه دو ابزاری است که برای ضمانت اجرای تربیت اجتماعی مورد نیاز است. پاداش و کیفر و وعده و وعید دینی، بر همین روش استوار است. اسلام هر دو شیوه را در چارچوب خاص خود می‌پذیرد، زیرا نیکی و بدی را یکسان نمی‌بیند و به نیکوکار و بدکردار، یکسان پاداش نمی‌دهد. تشویق و تنبیه در قرآن کریم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. حدود ۲۰۰ آیه درباره موضوع تشویق و حدود ۵۰۰ آیه به عامل تنبیه اشاره دارد. قرآن کریم با توجه به رعایت مراتب گوناگون پاداش و کیفر از عوامل مادی و غیرمادی، عاطفی و غیرعاطفی برای تشویق و تنبیه استفاده کرده است: «مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ» (غافر، ۴۰) «هر کس بدی کند، جز بمانند

۷- شیوه های ضمنی تربیت اجتماعی

علاوه بر شیوه های که اشاره شد از روشهای دیگری نیز می توان بهره گرفت از جمله شیوه های: الف: امر به معروف و نهی از منکر (آل عمران، ۱۱۰) ب: آزمون ها (النساء، ۷۹- الانعام، ۱۰۴- البقره، ۱۵۵ و ۱۵۶) ج: تفکر و مطالعه (سبا، ۴۶- الزمل، ۱۲۰)

شیوه های اخلاقی تربیت اجتماعی در قرآن

| | |
|--|----------------|
| <p>(الحجرات، ۷) (الاسراء، ۲۳) (مجادله، ۲) (النساء، ۷۳)</p> <p>(المائده، ۸۲) (الروم، ۲۱) (المتحنه، ۱) (المتحنه، ۷)</p> <p>(الاسراء، ۷۳) (الزخرف، ۶۷) (الاسراء، ۷۰) (الفجر، ۱۷)</p> <p>(الحجرات، ۱۳) (العنکبوت، ۱۳) (یوسف، ۲۱)</p> | محبت و احترام |
| <p>(لقمان، ۱۳) (الشعراء، ۱۳۶) (هود، ۴۶) (سبا، ۴۶) (الاعراف، ۱۶۴)</p> <p>(البقره، ۲۳۱) (النساء، ۵۸) (النحل، ۹۰) (النور، ۱۷) (لقمان، ۱۳)</p> <p>(النساء، ۶۳) (النساء، ۳۴) (المجادله، ۳) (البقره، ۲۳۲) (الطلاق، ۲)</p> <p>(النساء، ۶۶) (الشعراء، ۱۳۶) (الاعراف، ۱۴۵) (هود، ۱۲۰)</p> <p>(النحل، ۱۲۵)</p> | موعظه و نصیحت |
| <p>(الزخرف، ۲۳ - ۲۴) (الاحزاب، ۲۱) (المتحنه، ۴) (المتحنه، ۶)</p> <p>(ابراهیم، ۲۵) (النور، ۳۵) (الحشر، ۲۱) (العنکبوت، ۴۳)</p> <p>(الاسراء، ۴۸) (الزمر، ۲۹) (الزخرف، ۵۹)</p> | الگوها و امثال |
| <p>(الحديد، ۱۶) (الكهف، ۷۶) (التوبه، ۶۵) (العنکبوت، ۶۳)</p> <p>(المائده، ۱۰۲) (هود، ۴۷) (الاحزاب، ۶۳) (الكهف، ۷۰)</p> <p>(البقره، ۲۱۵) (المائده، ۴) (الزخرف، ۴۵) (المائده، ۱۰۱)</p> <p>(الاعراف، ۶)</p> | پرسش و پاسخ |
| <p>(الغافر، ۴۰) (النساء، ۴۰) (البقره، ۱۱۲) (الشوری، ۴۰) (النحل، ۹۷)</p> <p>(الزمر، ۳۴) (الاحقاف، ۱۲) (الزمر، ۱۰) (فصلت، ۵۰) (فصلت، ۱۷)</p> <p>(الشوری، ۴۲) (الاحزاب، ۵۷) (القمر، ۳۰) (الشوری، ۲۳)</p> | تشویق و تنبیه: |

احسان و انفاق:

(الحديد، ۱۰) (البقره، ۲۴۵) (هود، ۳) (الحديد، ۱۱) (آل عمران، ۱۲۰)

(صافات، ۱۱۰) (الزمر، ۳۴) (الاحقاف، ۱۲) (النساء، ۸۵)

(الشوری، ۲۳) (الانعام، ۱۵۲) (هود، ۱۱۴) (الانبياء، ۱۰۱) (الزمر، ۱۰)

(القصص، ۷۷) (البقره، ۸۳) (الحديد، ۷) (البقره، ۲۶۷)

(الشوری، ۳۸) (الحج، ۳۵) (البقره، ۲۶۲) (البقره، ۲۱۹) (التوبه، ۵۴)

(البقره، ۱۹۵) (النحل، ۷۵)

نتایج مقاله

۱) اخلاق از دیرباز مورد توجه مکاتب مختلف و سایر ملل بوده است. اگر چه بسیاری از مکاتب بدون توجه به تمایلات درونی افعال اخلاقی انسان، شاخه های متنوعی از اخلاق را ارائه نموده اند، گرایش های اخلاقی و فضیلت خواهی از امور فطری انسان هستند و آنچه در اخلاق فطری مورد نظر است گرایش های یکسان انسان ها است. عوامل دیگری مانند دین، جامعه، محیط و موقعیت های خاص می تواند خلقیاتی را برای انسان ایجاد نماید. انسان به طور طبیعی تحت تاثیر افکار، عقاید، گفتار، و رفتارهایی است که شخصیت او را شکل می دهد. و علاوه بر آن وجود اسوه و الگو برای تحقق فضیلت اخلاقی در انسان امری ضروری است، لذا قرآن وجود پیامبر (ص) را به عنوان اسوه و الگو معرفی می کند. ۲) اهداف اخلاقی تربیت اجتماعی، زمینه هایی هستند که ما را برای درک رفتار اخلاقی یاری می کنند و عبارتند از: تعادل روحی و روانی، خود شناسی و تقرب به خداوند و تعامل صحیح با دیگران. اهداف، چراغ راه و راهنمای رسیدن به قله ها و ایده های انسانی است و الزاماتی دارند که رعایت آنها ضروری است. ۳) شناخت فطری، توحید، قیامت، نبوت، الزامات اخلاقی تربیت اجتماعی و زیر بنای اعتقاداتی هستند که بدون توجه به آنها، اهداف دست یافتنی نیستند و نتایج تربیتی مطلوب تحقق نمی یابند. در واقع الزامات شامل مجموعه اعتقاداتی است که می توانند تضمین کننده تربیت اجتماعی صحیح باشند. ۴) شیوه های تربیت اجتماعی قرآن، برای رسیدن به اهداف عالی انسان برنامه ریزی شده است و بارزترین آنها، عبارتند از: محبت، احترام، موعظه و نصیحت، و... شیوه های اخلاقی انسان را به مقصود می رسانند، راه ها را تسهیل نموده و برای رسیدن به موفقیت برنامه ریزی می نمایند.

کتابشناسی

۱- قرآن کریم

۲- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، چاپ نوزدهم، تهران: مدرسه، ۱۳۹۰ش.

۳- پالمر، مایکل، مسائل اخلاقی، ترجمه علیرضا آل بویه، قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۹۹۵م.^۱

۴- جعفری، محمدتقی، بررسی و نقد افکار راسل، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸ش.

۵- حسینی نسب، داوود، اصول حاکم بر روش تشویق و تنبیه در تربیت اخلاقی، مجله راه تربیت، ۱۳۸۵ش.

۶- دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۷۷ش.

۷- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۷ش.

۸- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالمعرفه، بی تا، ۱۴۰۴ق.

۹- سیف، علی اکبر، رفتار درمانی و روان درمانی، انتشارات دوران، ۱۳۸۷ش.

۱۰- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ش.

۱۱- عسکری، مرتضی، دو مکتب در اسلام، ترجمه عطاءمحمد سردارنیا، نشر: تهران بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.

۱۲- غفاری، ابوالفضل، دورویکرد معاصر در تربیت اخلاقی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۵ش.

۱۳- فردریک ای، الرود، فلسفه های معاصر تربیت اخلاقی، ترجمه حسین کارآمد مجله معرفت، شماره ۶۲، ۱۳۸۱ش.

۱۴- قراملکی، فرامرز، اخلاق حرفه‌ای، چ سوم، تهران: انتشارات مجنون، ۱۳۸۵ش.

۱۵- مارکوس جی، سینگر، تعمیم در اخلاق، از فیلسوفان اخلاق معاصر، مقاله ای که در دیسکت نوری^۲ (نشر یافته است، ۱۹۷۱م.

۱۶- مصباح یزدی، محمد تقی، بررسی و نقد مکاتب اخلاقی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۴ش.

۱۷- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، جلد ۲، چاپ پنجم، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۵ش.

۱۸- همو، فطرت، تهران: انتشارات صدرا، چاپ بیستم، ۱۳۸۸ش.

۱۹- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۱، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ش.

۲۰- نجارزادگان، فتح الله، رهیافتی براخلاق و تربیت اسلامی، قم: نشر معارف، ۱۳۸۸ش.

۲۱- نراقی، ملامهدی، جامع السعاده، ترجمه: کریم فیضی، ج ۱، چاپ اول، انتشارات قائم محمد، ۱۳۸۵ش.

۲۲- ویلیامز، برنارد، فلسفه اخلاق، ترجمه زهرا جلالی، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۳ش.